

باکاوشگران تاریخ و دانشوران معرفت

سردبیر محترم فصلنامه ۱۵ خرداد

با تقدیم سلام، اینجانب دانشجوی دانشگاه تهران هستم. یکی از اساتید ما که شدیداً گرایش به گروه نهضت آزادی دارد بارها در کلاس گفته‌اند که ولایت فقیه چیزی جز استبداد روحانیت نیست و ربطی به اسلام ندارد و اغلب فقها آن را تأیید نکرده‌اند و دلیل اصلی برخورد جمهوری اسلامی با نهضت آزادی مخالفت این جریان با این اصل یعنی مخالفت با استبداد است. لطفاً اگر پاسخی دارید مستدل و مستند ارایه فرمایید.
امضا محفوظ

پاسخ

اگرچه این سؤال شقوق مختلفی دارد که پاسخ به آنها در ظرفیت این جوابیه نیست و اندر باب ولایت فقیه در اسلام و دیدگاه فقهای گرانقدر شیعه در این رابطه متون و منابع مستدل و مستندی منتشر شده است که می‌توان به آنها رجوع کرد، لیکن برای آگاهی جنابعالی و جوانانی که در فضای انقلاب اسلامی و رخدادهایی که منجر به انقلاب بزرگ شد، نبوده‌اند و مواضع گروه‌ها و جریان‌ها را از نزدیک لمس نکرده‌اند و متأسفانه رابطه آنها با متون و منابع تاریخی، رابطه ضعیفی است تنها به یک سند از میان ده‌ها





سند از اعلامیه‌ها و مواضع نهضت آزادی در سال ۱۳۵۷ که در آن نه تنها ولایت فقیه را حق شرعی و قانونی امام دانسته‌اند بلکه حتی به تأسی از آیه شریفه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم، اطاعت از امام را وظیفه شرعی و عقیدتی خود به شمار آورده و پیروی از مرجعیت عالی امام را به عنوان نیابت از امام عصر (عج) که حق عزل و نصب دارد و وظیفه خود می‌دانستند، اشاره می‌کنیم تا مشخص شود چقدر تفاسیری که گروه‌ها و جریان‌هایی مثل نهضت آزادی و غیره از آیات و روایات ارایه می‌دهند تابع منافع شخصی و گروهی آنها و چقدر تابع احکام الهی است.

ملت ایران مستحضر است که امام خمینی در ۱۵ بهمن سال ۱۳۵۷ طی حکمی آقای مهندس مهدی بازرگان را که در آن دوره رهبر نهضت آزادی بود، به عنوان رئیس دولت موقت منصوب کردند. متعاقب این انتصاب نهضت آزادی در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ بیانیه‌ای درباره نخست‌وزیری رهبر خود به شرح زیر صادر کرد:

بسمه تعالی

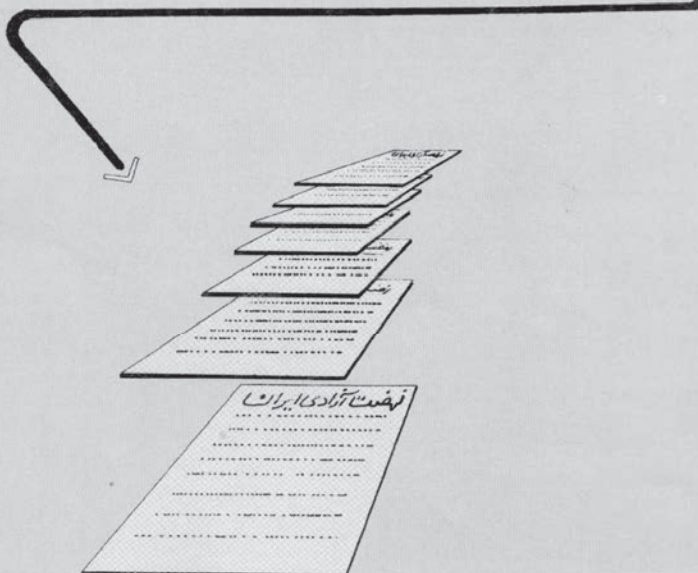
اکنون که رهبر بزرگ و زعیم عالیقدر امام خمینی بنا به حق شرعی و قانونی خویش در این موقعیت حساس و تعیین کننده و تاریخی جناب آقای مهندس بازرگان را بدون در نظر گرفتن وابستگی حزبی به ریاست دولت موقت انقلابی شرعی و قانونی برگزیده‌اید ما این انتصاب انقلابی و تاریخ‌ساز را به ملت شریف و فداکار ایران تبریک می‌گوییم و از آنجا که به فرمان آیه شریفه «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» اطاعت از این امر را وظیفه شرعی و عقیدتی خود به شمار می‌آوریم و از آنجا که بر طبق اصول والای اسلام، و به خصوص مذهب شیعه که مرجعیت عالی از آن به عنوان نیابت از امام حق عزل و نصب دارد، وظیفه خود می‌دانیم که به برادر ارجمند آقای مهندس بازرگان اطمینان دهیم که هر چه بیشتر در جهت رسالت مکتبی و تشکیلاتی که نهضت آزادی ایران بر دوش دارد بر تلاش‌های خود بیفزاییم. تا ایشان با فراغ خاطر و بدون نگرانی به مأموریت خطیری که بر عهده دارند بپردازند و توفیق او را در این امر مهم از پروردگار بزرگ خواستاریم.

نهضت آزادی ایران

۱۷/بهمن/۱۳۵۷^۱

صفحاتی از

تاریخ معاصر ایران



اسناد نهضت آزادی ایران

جلد ۱۱ - اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و تحلیل‌های سیاسی ۱۳۵۷-۱۳۵۹

۳۸۹

باکاوشگران تاریخ و دانشوران معرفت

دوره سوم - سال دهم - شماره ۳۳ - پاییز ۹۱





بیانیه نهضت آزادی ایران درباره نخست‌وزیری رهبر خود

بسمه تعالی

اکتون که رهبر بزرگ و زعیم عالیقدر امام خمینی بنا به حق شرعی و قانونی خویش در این موقعیت حساس و تعیین کننده و تاریخی جناب آقای مهندس بازرگان را بدون در نظر گرفتن وابستگی حزبی به ریاست دولت موقت انقلابی شرعی و قانونی برگزیده اید ما این انتصاب انقلابی و تاریخ ساز را به ملت شریف و فداکار ایران تبریک میگوئیم و از آنجا که بفرمان آیه شریفه «اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولی الامر منکم» اطاعت از این امر را وظیفه شرعی و عقیدتی خود بشمار می آوریم و از آنجا که بر طبق اصول والای اسلام، و بخصوص مذهب شیعه که مرجعیت عالی از آن بعنوان نیابت از امام حق عزل و نصب دارد وظیفه خود میدانیم که به برادر ارجمند آقای مهندس بازرگان اطمینان دهیم که هر چه بیشتر در جهت رسالت مکتبی و تشکیلاتی که نهضت آزادی ایران بردوش دارد بر تلاشهای خود بیفزائیم. تا ایشان با فراغ خاطر، و بدون نگرانی، به ماموریت خطیری که برعهده دارند بپردازند و توفیق او را در این امر مهم از پروردگار بزرگ خواستاریم.

نهضت آزادی ایران

۱۷/بهمن/۱۳۵۷

پاسخ به امام پس از دریافت حکم نخست‌وزیری

(۵۷/۱۱/۱۵)

بسم الله الرحمن الرحيم

و کم من ثناء جمیل لست اهلاً له نشرته

خدای بزرگ را شکر می‌کنم که چنین اعتبار و حسن شهرتی را که به هیچ‌وجه اهلیت و لیاقت آن را نداشته‌ام به من ارزانی داشته و همین موهبت الهی باعث شده است که آیت‌الله ابراز اعتماد و ارجاع چنین مأموریتی را به بنده عنایت بفرمایید و همچنین تشکر از ملت ایران می‌کنم که آیت‌الله مکرر تصریح فرموده‌اند که به نام ملت، هم‌صدای با ملت و برای ملت گام‌ها و صداهای خود را برداشته و بلند کرده‌اید. این مأموریت یعنی ریاست دولت موقت و تشکیل حکومت در شرایط بسیار دشوار خطرناک عظیم‌ترین شغل و وظیفه و در عین حال بزرگ‌ترین افتخاری است که به بنده واگذار شده و شاید حق داشته باشم بگویم دشوارترین وظیفه و کاری است که در طول تاریخ هفتاد و دو ساله مشروطیت ایران به نامزدها و مأمورین نخست‌وزیری‌های دیگر داده شده است. قاعدتاً با توجه به جثه ضعیف و نواقص و معایب خودم نمی‌بایستی قبول این مسئولیت را کرده و زیر بار چنین امری رفته باشم ولی از یک طرف بنا به ضرورت و وظیفه و مسئولیت طبیعی و انتظاری که داشته‌اند و با عزم راسخ و با ایمان کامل به خدا و اعتماد به موفقیت این راه که رهبری فرموده‌اید، من هم همین راه را انتخاب می‌کنم و این اولین درس و اولین دستوری است که از آیت‌الله گرفته‌ام و فرمایش حضرت امیر، علی‌ابن‌ابیطالب را به کار می‌بندم که فرموده‌اند وقتی در برابر امر خطیر و کار مشکلی قرار گرفتید تردید نکرده وارد شوید، به حول و قوه‌الهی مشکلات و مسائل حل خواهد شد. بنابراین با امید به خدا امتنان از آیت‌الله و انتظار از ملت ایران و دنیا این مأموریت و خدمت را قبول و تعهد نمودم و آماده خطرات و زحماتش هستم و نهایت کوشش و دعا را برای توفیق و ادای خدمت مورد انتظار مردم ایران خواهم کرد.

ولا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم^۱

۱. عبدالعلی بازرگان، مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان، تهران، نهضت آزادی ایران،





پاسخ به امام پس از دریافت حکم نخست وزیری

(۵۷/۱۱/۱۵)

بسم الله الرحمن الرحيم

وكم من نناء جميل لست اهل له نشرته

خدای بزرگ را شکر میکنم که چنین اعتبار و حسن شهرتی را که بهیچوجه اهلیت و لیاقت آنرا نداشته‌ام بمن ارزانی داشته و همین موهبت الهی باعث شده است که آیت‌الله ابراز اعتماد و ارجاع چنین مأموریتی را به بنده عنایت بفرمائید و همچنین تشکر از ملت ایران میکنم که آیت‌الله مکرر تصریح فرموده‌اند که بنام ملت، همصدای با ملت و برای ملت گامها و صداها را برداشته و بلند کرده‌اید. این مأموریت یعنی ریاست دولت موقت و تشکیل حکومت در شرایط بسیار دشوار خطرناک عظیمترین شغل و وظیفه و درعین حال بزرگترین افتخاری است که به بنده واگذار شده و شاید حق داشته باشم بگویم دشوارترین وظیفه و کاری است که در طول تاریخ هفتاد و دو ساله مشروطیت ایران به نامزدها و مأمورین نخست‌وزیرهای دیگر داده شده است. قاعدتاً با توجه به جثه ضعیف و نواقص و معایب خودم نمیبایستی قبول این مسئولیت را کرده و زیر بار چنین امری رفته باشم ولی از یکطرف بنا بر ضرورت و وظیفه و مسئولیت طبیعی و انتظاری که داشته‌اند و با عزم راسخ و با ایمان کامل بخدا و اعتماد به موفقیت این راه که رهبری فرموده‌اند، منم همین راه را انتخاب میکنم و این اولین درس و اولین دستوری است که از آیت‌الله گرفته‌ام و فرمایش حضرت امیر، علی‌ابن ابیطالب را بکار میندم که فرموده‌اند وقتی در برابر امر خطیر و کارمشکلی قرار گرفتید تردید نکرده وارد شوید، بحول و قوه الهی مشکلات و مسائل حل خواهد شد.

بنابراین با امید بخدا، امتنان از آیت‌الله و انتظار از ملت ایران و دنیا این مأموریت و خدمت را قبول و تعهد نمودم و آماده خطرات و زحماتش هستم و نهایت کوشش و دعا را برای توفیق و ادای خدمت مورد انتظار مردم ایران خواهم کرد.

ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم

همان طوری که ملاحظه می‌شود در این بیانیه اولاً انتصاب رهبر نهضت آزادی حق شرعی و قانونی امام خمینی دانسته شده، ثانیاً این انتصاب انقلابی و تاریخ‌ساز معرفی شده، ثالثاً نهضت آزادی به فرمان آیه شریفه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم، اطاعت از این امر را وظیفه شرعی و عقیدتی خود به شمار آورده است، رابعاً از همه مهم‌تر بر طبق اصول والای اسلام و به خصوص مذهب شیعه مرجعیت عالی امام به عنوان فقیهی که نیابت از امام زمان داشته و بر اساس این نیابت حق عزل و نصب دارد، مورد تأکید قرار گرفته است.

اکنون از کسانی که امروزه به دروغ و نیرنگ خود را طرفدار آزادی و مخالف استبداد جامی‌زند، باید سؤال کرد که چگونه در آن زمانی که ولی فقیه زمان به استناد این ولایت و به نیابت از امام شما را به این پست‌ها منصوب می‌کرد این انتصاب را استبداد نمی‌دانستید و آن را مغایر با شرع نمی‌دیدید و نه تنها نمی‌گفتید که ولی فقیه چنین اجازه‌ای از شرع مقدس ندارد بلکه این انتصابات را حق شرعی و قانونی ولی فقیه می‌دانستید اما وقتی همین ولی فقیه شما را به دلیل بی‌کفایتی از آن مناصب برکنار کرد، پای شرع، حق، قانون، آزادی و حقوق بشر به میان آمد؟!

این سند تاریخی به تنهایی کافی است تا نشان دهد که اغلب آنهایی که امروزه داعیه دین‌خواهی و آزادی‌طلبی دارند تا زمانی که منافع خود، حزب و گروه خود در میان بود از حق قانونی و شرعی ولی فقیه دم می‌زدند اما وقتی مقام و پست و منافع خود را از دست دادند، ۱۸۰ درجه برعکس شدند و دم از حقوق مردم و مقابله با استبداد می‌زنند. بعد از نمونه نهضت آزادی می‌توان به مواضع آقای منتظری نیز اشاره کرد؛ وقتی آقای منتظری قائم‌مقام رهبری و ولی فقیه بعدی بود، صدها صفحه مطلب در حدود شرعی بودن ولایت فقیه و مبسوط‌الیه بودن فقیه و گستره اختیارات و اقتدار فقیه نوشت و دایره ولایت فقیه را آنقدر بسط داد که حتی معتقد بود انتخابات برای نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزرا بی‌معنی است بلکه همه اینها با توجه به نیابت ولی فقیه از امام زمان باید منصوب فقیه باشند تا تصرف آنها در امور مردم تصرف شرعی باشد؛ حتی انتصاب رؤسای ادارات نیز به حوزه اختیارات و اقتدار ولی فقیه بازگشت. اما به محض اینکه صلاحیت رهبری را از دست داد و توسط امام برکنار شد تمام آن ادله فقهی و شرعی‌ای که در اثبات ولایت فقیه آورده بود باطل اعلام شد و دم از حقوق مردم و مقابله با استبداد زده شد.

تمام این مواضع نشان می‌دهد که از دیدگاه اینها، دین، احکام دین و حکم الهی تابع



منافع فردی، جناحی و حزبی است. اگر امام جلوی اینها را سد نمی‌کرد، معلوم نبود چه به روز مردم می‌آوردند. تا وقتی قدرت دست اینها بود هر تصرفی با ادله شرعی توجیه می‌شد اما به محض اینکه بر کنار می‌شدند تمام آن ادله ابطال می‌گردید.

